

تنش‌های مذهبی

8 اسفند 1390

علی فرح‌بخش / رادیو کوچه

تنش‌های مذهبی، پدیده‌ی بسیار ریشه‌داری‌ست. از آغاز تشکیل ادیان، به هر شکل و گونه‌ای، تنش میان پیروان مذاهب گوناگون وجود داشته‌است. از جمله معروف‌ترین این تنش‌ها می‌توان به «جنگ‌های صلیبی» اشاره کرد.

«جنگ‌های صلیبی» به سلسله‌ای از جنگ‌های مذهبی گفته می‌شود که به دعوت پاپ توسط شاهان و نجیب‌زادگان اروپایی داوطلب برای بازپس‌گیری سرزمین‌های مقدس از دست مسلمان‌ها برافروخته‌شد. صلیبیون از جای‌جای اروپای غربی در جنگ‌هایی مجزا بین سال‌های 1095 تا 1291 شرکت‌داشتند. مبارزان صلیبی یا به اختصار «صلیبیون»، مسیحیان کاتولیکی بودند که بر علیه مسلمان‌ها و مسیحیان ارتدوکس در قلمرو روم شرقی و در ابعاد کوچک‌تر با اسلاوها و بالتهای پگان، مغول‌ها، و خوارج مسیحی جنگیدند. صلیبیون توسط پاپ، مورد تکریم قرار می‌گرفتند و آمرزیده می‌شدند.

جالب است که در جنگ‌های صلیبی و تنش‌های مذهبی از این دست، به‌نظر می‌رسد که هدف، تنها احیای دین نبوده، بلکه تصاحب زمین و سیطره‌ی جغرافیایی هم نقش به‌سزایی داشته‌است و همواره گروهی که در صدر قدرت مذهبی جای داشتند، به دست‌آوردهای نان و آب‌داری می‌رسیدند. با نگاهی به جنگ‌های صلیبی، به‌راحتی می‌توان به این نکته نیز دست یافت که هدف سران مذهبی هم‌کاسه با پادشاهان و امرای وقت، فقط از میان برداشتن مسلمان‌ها نبوده و در این میان، مسیحیان دگراندیش هم از قهر قوای مرکزی در امان نبوده‌اند.

تنش میان ادیان و مذاهب، امروزه هم به شکل‌های گوناگون وجود دارد. کافی‌ست که کاریکاتوری کشیده شود، خبر از آتش زدن قرآن به‌میان بیاید یا کسی کنار دیوار مسجدی کاری کند، همین اتفاق‌های کوچک، سیل اعتراض را به‌همراه می‌آورد. مسلمان‌ها، عموماً نسبت به دیگر ادیان، برخوردهای اعتراضی شدیدتری را ابراز می‌کنند. آن‌ها معتقدند که گاه، گفت‌وگو و مهربانی، کاری از پیش نخواهد برد و باید با

اعلام اعتراض کوبنده، از بروز پدیده‌های مشابه جلوگیری کرد. اما این امر، در دنیای امروز، تا چه حد می‌تواند موفق باشد؟

در خبرهای چند روز اخیر شاهد بودیم که بروز یک اشتباه کوچک در یکی از پایگاه‌های نظامی آمریکا در افغانستان، به اعتراض‌های مردمی گسترده‌ای بدل شد که تا امروز، بیش از بیست کشته و ده‌ها مجروح به‌جای گذاشته‌است. هر چند مقامات بلند پایه‌ی آمریکایی و رییس‌جمهوری این کشور، به‌شکل رسمی از بابت اتفاق رخ داده عذرخواهی کردند و آن را عمدی ندانستند، اما آتش خشم معترضان در برابر اتفاقی که آن را «بی‌حرمتی به قرآن» قلمداد می‌کنند، هنوز فروکش نکرده‌است.

توهین به مذهب و باورهای شخصی یک فرد یا یک گروه اجتماعی، به‌طور قطع امر نادرستی‌ست. اما مسئله این‌جاست که برخورد گروه معترضان نیز، باید در چارچوبی منطقی و به دور از اعمال خشونت باشد. در این میان، آمیزش مسائل مذهبی و سیاسی با یک‌دیگر نیز به تنش‌های پیش آمده، دامن می‌زند و آن را پیچیده‌تر می‌کند.

در نهایت، پرسشی در ذهن پدید می‌آید که پیروان پیامبری که زنی به روی او خاک‌روبه ریخت و آرام خود را تکاند و زن را بخشید و رفت، و یا امامی که در جنگ «صفین» به پیروان خود گفت که قرآن‌های سر نیزه‌های دشمن، فقط تکه‌هایی از پوست و جوهر هستند، چگونه است که امروز، با چنین خشونت و برخورد معترضان‌ه‌ی شدیدی، به کشته و زخمی شدن ده‌ها و صدها انسان تن می‌دهند اما عذرخواهی ساده‌ای را قبول نمی‌کنند؟
